

دانش پزشکی در اوستا

از احمد نوری

دانش و فرهنگ ایرانی مانند درخت تناوری در گوشه و کنار این جهان پهناور ریشه دوانده به جرات میتوان گفت کشور ایران در ارایه دادن فرهنگ و دانش به جهانیان از بقیه اقوام و ملتها پیش قدمتر و نقش آفرینتر بود. و این میسر نبوده مگر به کوشش و تلاش نیاکان نیک اندیش مردم ایرانزمین که در طی هزاران سال به مرور کامل و بالنده گردیده.

یکی از این دانشها که ایرانزمین در آن نقش مهمی را ایفا کرده دانش پزشکی است در این جستار اشاره ای کوتاه بر چگونگی این دانش از دیدگاه اوستا و ایران باستان می اندازیم. دانش پزشکی در ایران پیش از دوره اوستایی و ظهور اشوزرتشت وجود داشته زمانی که زرتشت که خود نیز یکی از پزشکان برجسته عهد باستان ایران می باشد پا به عرصه وجود می گذارد قرنها یا هزاران سال بوده که این دانش در ایران زمین رواج داشته است. اوستا که مجموع کاملی از تاریخ و فرهنگ ایرانیان پیش از ظهور زرتشت تا به دوره او می باشد اشاره های بسیاری به دانش پزشکی و پزشکان ایرانی دارد. همچنین در دیگر کتابهای پهلوی و پارسی بدان اشاره ها برمی خوریم، مانند شاهنامه، بندش.

در متون کهن آمده:

جمشید (چهارمین پادشاه پیشدادی) نخستین کسی بود که استحمام آب گرم و سرد را مرسوم کرد. در دوره پادشاهی او هفتصد سال نه گیاهی خشکید و نه جاننداری بیمار شد.

اشاره به این مدت طولانی بدین معنی می باشد که دانش پزشکی در دوران جمشید به آن درجه رسیده بود که انسانها و حیوانات و گیاهان به مدت طولانی بدون بیماری و با آسایش زندگی می کردند و کمتر کسی از بیماری و رنجوری از دنیا می رفت. نخست چند تن از پزشکان ایرانی را که پیش از زرتشت بوده اند نام برده و سپس به گونه های مختلف پزشکی در اوستا می پردازیم.

درباره ی نخستین پزشک آریایی در اوستا یسنا ۹ بند ۳ چنین آمده:

« زرتشت گفت نماز و درود بر تو هوم (Homa گیاه مقدسی که در مراسم دینی و پزشکی مورد بهره بوده) که ترا نخستین بار ای هوم در میان مردمان خاکی جهان آماده ساخت کدام پاداش به او داده شد؟ چه نیک بختی به او رسید؟ »

بند ۴ یسنا ۹

« آنگاه به من پاسخ گفت هوم پاک دور دارنده ی مرگ، ویونگهان مرا نخستین بار میان مردمان خاکی جهان آماده ساخت. این پاداش به او داده شد که او را پسری زاییده شد، آن جمشید دارنده رمه خوب، کسی که در شهریاری خود جانور و مردم را نمردنی ساخت. »

پس از ویونگهان پدر جمشید پیشدادی و خود جمشید که یکی دیگر از پزشکان آریایی می باشد به ترتیب در بندهای پسین همچنان پرسش خود را ادامه می دهد و هوم در پاسخ به او (زرتشت) تا چهار پزشک را نام می برد که به ترتیب پس از ویونگهان - دومین بار آبتین (پدر فریدون پیشدادی) - سومین بار اترت پدر اورواخشه و گرشاسب و چهارمین بار پورشسپ پدر پیامبر ایرانی اشوزرتشت می باشد.

در اوستا از پزشکان دیگری نام برده شده که میتوان از آنها جاماسب و سننا که بعدها سیمرخ نام گرفت نام برد. راجع به سینا که لقبی نیز برای ابوعلی سینا پزشک نامور ایرانی شد در بخش کارد پزشکی شرح داده میشود. از اوستا که بگذریم در دوره های پس از زرتشت این دانش همچنان نزد ایرانیان رو به رشد و نمو نمود. عمده کار پزشکی و دانش پزشکی نزد موبدان و مغان ایرانی بود. بهترین آموزگاران دانش پزشکی و ستاره شناسی مغان ایران بوده اند و این علوم پشت به پشت از آنها به شاگردانشان انتقال پیدا می کرده. متأسفانه در یورش بی رحمانه مقدونیان (اسکندر)، اعراب، تاتارها و افغانها بسیاری از نوشته ها و کتابهای ارزشمند دانشمندان ایرانی را از بین رفته و کتابهای پزشکی نیز از این قانون مستثنی نبوده است. از پزشکان نامور ایران نیز در دوره های بعد می توان از مانی؛ روزبه و بزرگمهر نام برد. در دوره هخامنشی نیز پزشکان بی شماری بوده اند که دانشمندان یونانی و دیگر ملل از آنان بهره برده اند. عمده دانش پزشکی آن دوره و حتی دوره ماد و دوره

های پسین بر دانش اوستایی استوار بوده. دوره ساسانیان نیز دانشمندان دیگر کشورها در دانشگاه گندی شاپور برای فراگیری دانشهای گوناگون از جمله پزشکی مشغول درس خواندن بوده اند، مانند دیوژن.

دانش پزشکی در ایران پس از حمله و یورش اعراب چند قرنی رو به کاهش و افتادگی گذاشت لیکن با کوشش بزرگمردان و دانشمندان و با عنایت اورمزد این دانش مانند گذشته و بهتر از آن رو به بالندگی گذاشت. به طوریکه دانشمندان بی شماری از دوره ی اسلامی به بعد از یاران به دانش جهان کمک شایانی کردند و کمتر کسی مانند آنها را میتوان یافت، بزرگانی چون ابن سینا؛ محمد زکریا رازی؛ فارابی؛ خیام که نامشان همواره در تاریخ پزشکی جهان می درخشد و موجب افتخار و سربلندی مردم ایرانزمین در تمام دوره ها می باشند.

اکنون بپردازیم به گونه های مختلف دانش پزشکی در اوستا و شرح کوتاهی برای آنها.

دانش پزشکی در اوستا پنج بخش می باشد.

- ۱- اردیبهشت یشت (وندیداد)
- ۱- اشو پزشک (بهداشت)
- ۲- دادپزشک (پزشک قانونی)
- ۳- کارد پزشک (جراح)
- ۴- گیاه پزشک (دارو - عطاری)
- ۵- مانتره پزشک (روان پزشک)

« یکی از طبیبان (پزشکان) به وسیله اشا درمان کند، کسی به وسیله قانون شفا بخشد، کسی با کارد درمان کند، کسی که با گیاه درمان کند کسی که با کلام مقدس (مانتره) درمان بخشد..... » اردیبهشت یشت بند ۶

۱- اشو پزشک (بهداشت)

اشو (اشا) بجم پاکی و راستی می باشد. اشو هم پاکی تن و محیط را شامل می شود و هم شامل پاکی درون (روح و روان و اندیشه) می باشد. یک اشو پزشک بایستی دارای هر دو پاکی (تن و روان) باشد تا بتواند دیگران را درمان نماید. اشو پزشک پزشکی است که به بهداشت و پاک نگه داشتن محیط زندگی و شهر و پاکی تن سفارش میکند و به امور بهداشتی رسیدگی می نماید. مانند سازمان بهداشتی و بهزیستی که هم اکنون نیز در شهرها و روستاها به آموزش بهداشت و نگهداری محیط مشغولند و مردم را آموزش بهیاری می دهند (مانند واکسن زدن - پرستاری - کمکهای اولیه و) دور نگه داشتن بیماران از جمع و قرنطینه کردن بیماران که دارای بیماریهای خطرناک بودند، پاک نگه داشتن چهار آخشیح مقدس (آباد - باد - خاک - آتش) از پلیدی و نیالودن آنها. پاکی محیط خانه کوی و محله و دیگر وظایف در این اندازه از کارهای اشو پزشک بوده. همچنین هر خانواده ایرانی موظف به اجرای این امر بوده اند. خانه تکانی برای نوروز در سرتاسر ایران زمین نیز یکی از مراسم اشویی بوده که تمامی ایرانیان بدان پایبند بوده و هنوز نیز آن را اجرا مینمایند و ناپاکیهای یکسال گذشته را از خانه و کاشانه و محله و تن و روان بدور می ریزند و با تن و روان و محیطی پاک به سوی آغاز سال نو می روند و بهار تازه ای را در زندگی خود آغاز می نمایند.

ایرانیان هیچگاه چهار آخشیح را به ناپاکی آلوده نمی کردند، بدین جهت در آب روان خود را نمی شستند و از شستن اشیا آلوده در آب روان پرهیز می کردند. همچنین آداب کردن و آب دهان انداختن را در آب گناهی بزرگ می شمردند. آتش را آلوده به مواد سوختنی دودزا و بدبو نمی کردند و همواره جایگاه آتش را پاک نگه می داشتند، خاک و زمین را به ناپاکی و پلیدی آلوده نمی کردند. بدین منظور مرده های خود را در بلندی می گذاشتند تا خوراک پرندگان و حیوانات درنده شوند. همواره در خانه ها و محله ها اسپند و کندر دود می کردند تا هوا همواره هم پاک و خوشبو شود و هم حشرات (خرفستران) و میکروبها کشته شوند. این سنت و آداب هنوز در بین ایرانیان و دیگر اقوام و ملتها مرسوم می باشد. برخی خانواده ها نیز برای رفع چشم بد و بهبود بیمار اسپند (اسفند) دود می کنند.

۲- داد پزشکی (پزشک قانونی)

این پزشکان بیشتر با علوم پزشکی کار می کردند. کالبد شکافی پس از مرگ جهت تشخیص بیماری و پیدا کردن راه درمان برای آیندگان از جمله وظایف آنان بوده، پزشکان قانونی درگذشتگان را معاینه میکردند و پس از اطمینان حاصل کردن از درگذشته برای آن جواز کفن و دفن صادر می نمودند. اگر مرده نیاز به کالبد شکافی داشت آن را کالبد شکافی می کردند.

همچنین امور مومیایی مردگان به دست اینگونه پزشکان بود که این عمل بیشتر در مصر باستان معمول بوده. اکنون نیز در جهان پزشکان قانونی وجود دارند که کار کالبدشکافی - شناسایی نوع درگذشت و شناسایی بیماری در گذشته بر عهده این پزشکان می باشد.

۳- کارد پزشکی (جراح)

همانگونه که از نام اینگونه پزشکی پیداست نوع بیمار و درمان بخشیدن بیماران توسط این پزشکان جراحی بوده است. به طور کلی کار کارد پزشکی (جراحی) در گذشته و حال کاری بس دشوار و خطرناک است. به ویژه در دوران کهن که امکانات بیهوشی و ابزار آلات پزشکی ابتدایی تر و کمتر از این دوره بوده بیشتر بیماران جان خود را از دست می دادند.

در ونیداد فرگرد هفتم بند ۳۹ در مورد کارد پزشکی چنین آمده:

« کسی که میخواهد پزشک (کارد پزشک) شود یک دوپرست را جراحی کند و بیمار خوب شود او دوپرست دوم را جراحی کند و بیمار خوب شود او دوپرست سوم را جراحی کند و بیمار خوب پس آموزده است و همیشه می تواند کارد پزشکی کند.»

همانگونه که در بند بالا اشاره شد یک کارد پزشک بایستی چندین مرتبه این عمل را انجام دهد و پس از پیروز شدن در آزمایش می توانست در این رشته پزشکی فعال باشد.

درباره کارد پزشکی که یک عمل رستمینه (سزارین) زایمان را در ایران باستان نشان می دهد در شاهنامه در خصوص زایش رستم چنین آمده:

همان ماهرخ را به می کرد مست
بتابید مر بچه را سر به راه
که کس در جهان این شگفتی ندید

پیامد یکی موبد چیره دست
شکافید بی رنج پهلوی ماه
چنان بی گزندش برون آوید

پزشکی که جراحی زایمان را بدین گونه بر روی مادر رستم «رودابه» انجام می دهد سیمرخ در شاهنامه (سننا در اوستا) یکی از پزشکان ایران باستان می باشد. سیمرخ که نام وی سننا می باشد یکی از پزشکان و مغان می باشد وی در کوه (ظاهرا دماوند) می زیسته و شاگردانش نیز در آنجا (دماوند) برای فراگیری دانش می رفته اند و او را سننا مرغ نامیدند به دلیل جایگاه بلندش (بروی کوه). زال پسر سام که پدرش او را از کودکی به نزد سننا می سپارد تا آموزشهای مورد نیاز را بیاموزد و دانش فراگرد از شاگردان مورد توجه سننا می شود. بدین سبب زال در برخی گرفتاریهای خود از او کمک می گرفته که زایمان همسرش رودابه در هنگام زایش رستم نیز به دست سننا علاج می گردد. برای آنکه بهتر به دانش کارد پزشکی در ایران پی ببریم نیاز است آورده شود که در باستانشناسی در شهر سوخته در استان سیستان و جمجمه هایی کشف گردید که بروی آنها عمل جراحی انجام گرفته بود.

۴- گیاه پزشکی (اورو پزشک)

پیشینه گیاه پزشکی با آغاز پیدایش کشاورزی و گیاه پروری در ایران همراه می باشد. نخستین اقوامی که توانستند به خواص گیاهان دارویی پی ببرند و گیاه درمانی نمایند و از گیاهان به عنوان آرام بخش و تیمار بیماران بهره برند ایرانیان بودند. گیاه پزشکی پس از گذشت هزاران سال در ایران و دیگر نقاط جهان همچنان مرسوم است و یکی از موثرترین درمانها به شمار می آید. گیاه پزشکی در روزگارهای کهن از ایران به دیگر کشورها راه یافت از جمله هند، چین، میان رودان، مصر و غیره که هنوز در آن کشورها به ویژه پاکستان و هند رایج است.

در مورد گیاه پزشکی در وندیداد فرگرد ۲۰ بند ۶ آمده:

« تمام گیاهان دارویی را ستایش می کنیم و می خواهیم و تعظیم می کنیم. برای مقابله با سردرد؛ برای مقابله با مرگ؛ برای مقابله با سوختن؛ برای مقابله با تب؛ برای مقابله با تب لرزه؛ برای مقابله با مرض ازانه؛ برای مقابله با مرض واژوهه؛ برای مقابله با بیماری پلید جزام؛ برای مقابله با مار گزیدن؛ برای مقابله با مرض دورکه؛ برای مقابله با مرض ساری و برای مقابله با نظر بد و گندیگی و پلیدی که اهرمن در تن مردم آورد. »

از متن بالا بر می آید که گیاه پزشکی برای عمده بیماریها به کار می رفته و بیشترین دردها را درمان بخش بوده در یسنا ۹ بند ۳ و ۴ و دیگر بخشهای اوستا به گیاه هوم اشاره شده (در آغاز سخن آورده شد). از گزارش وندیداد - یسنا و یشتها چنین نتیجه می شود که بسیاری از امراض و ناخوشیها در دانش پزشکی ایران مشخص و پیدا شده بوده و برای مقابله با آنها داروهای مورد نیاز را نیز به دست آورده بودند.

غیر از گیاه هوم نیز گیاهان دیگری در ایران باستان برای پزشکی مورد بهره بوده اند مانند؛ برسم کُندر؛ اسپند؛ همچنین عصاره (فشرده) گیاهانی مانند نعنا؛ بیدمشک و عرق چهل گیاه و غیره در گذشته و حال نیز در پزشکی و درمان بیماران مورد بهره قرار می گرفته و میگیرد. برخی گیاهان دارویی علاوه بر جنبه درمانبخشی در مراسم دینی و جشنها از آنها استفاده می شده مانند هوم؛ برسم و اسپند.

۵- مانتره پزشک (روان پزشک)

مانتره به چم منش انگیز می باشد، همچنین سخن پاک و مقدس هم معنی می دهد. منظور از کلام مانتره سخنی است که با آن بیمار را آرامش می دهند و درمان می کنند.

بیماری روانی بیماری است که با روح و اندیشه آمیخته است و درمان آن با گیاه و دارو میسر نمی باشد. به ناچار اینگونه بیماران را تنها با داشتن روانشناسی و تلقین اندیشه و سخن درمان می کنند. مانتره سخن ایزدی است که به گونه نیایش و دعا و نماز برای تسلی بیمار خوانده می شود.

آنگاه که روان و روح آدمی همچنان بهم ریخته و پریشان است بهترین درمان و آرامبخش گفتار نیک و امید بخش، خواندن کتاب مقدس (گاتها اوستا) شعر و یا گوش دادن به موسیقی می باشد. امروزه روانپزشکی یکی از مهمترین پایه های دانش پزشکی در جهان می باشد و به طور جداگانه از دیگر رشته های پزشکی در دانشگاهها تدریس می شود. کلام مانتره (گفتار درمانی و روان درمانی) پر اوستا نیز از جایگاه مهم و ارزشمندی برخوردار است.

وندیداد فرگرد ۷ بند ۴۴ آمده:

« ای زرتشت

اگر پزشکی گوناگون درمان بخش یکی با کارد درمان بخش، یکی با دارو، یکی با سخن ایزدی درمان کننده، آن کس که با سخن ایزدی (مانتره) درمان کند درمان بخش ترین درمان کنندگان است. »

در اردیبهشت یشت بند ۵ آمده:

« نماز که تمام خرد خبیث (زشت) و همه جاودان و پریها را براندازد بزرگترین کلام ایزدی (مانتره) است. بهترین کلام ایزدی است، زیباترین کلام ایزدی است، قویترین کلام ایزدی است، پیروزمندترین کلام ایزدی است، در میان کلام ایزدی درمانبخش است، درمان بخشترین کلام ایزدی است. »

بر طبق آیین و فرهنگ ایرانی نابود کننده تمام بدیها، پلیدیها و کژاندیشی ها و زشتی ها همان کلام ایزدی (مانتره) است. نامهای خداوند (صد و یک نام خدا) مانتره می باشد. گاتها مقدس مانتره می باشد، یسنا مانتره می باشد، نماز مانتره می باشد، اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک مانتره می باشد. تمام آموزشهای زرتشت مانتره می باشد. نیاکان ما معتقد بودند و ما نیز معتقدیم و ایمان داریم هرگاه که روح و روان و اندیشه سالم و شاداب است، تن و بدن و زندگی نیز سالم و شاداب است. و هرگاه روح و روان و اندیشه رنجور و افسرده باشد تن و بدن و زندگی هر چقدر که قوی باشد رو به سستی می گذارد. و یکی دیگر از این درمانبخشها فراگیری دانش و ادب برای رسیدن به کمال انسانی می باشد.

روان پزشکی در دوره های کهن به گونه خواندن نیایشهای دینی و دعاهاى مذهبی انجام میگرفته، مانند خواندن اوستا نماز و خواندن دیگر کتابهای دینی در دیگر ادیان و ملتها.

بدین ترتیب دانش پزشکی پس از گذشت قرنها و هزاره ها از سرزمین اهورایی ایران به دیگر کشورهای روزگار باستان مانند بابل، مصر، چین، هند، یونان، روم و اکنون نیز به اروپا و امریکا را یافت.

امید است مشعل دانش و فرهنگ همواره در بین ایرانیان فروزان باشد و ما بتوانیم نگهبانان شایسته ای برای آن باشیم.



درفش کویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/parsi>